

act:onaid

Afghanaid



CONCERN
worldwide



TRÓCAIRE
Working for a Just World

تأثیر سریع، دوام کوتاه مدت

خطر نظامی شدن کمک ها

هر نیم ساعت، بطور اوسط یک زن افغان بخاطر مشکلات ناشی از باروری، و یا هم از مبتلا شدن به مرض تبر کلوز میمیرد، و از سوی دیگر در همین مدت 14 طفل بخاطر امراض غیر قابل از بین میروند. بعد از 8 سال سقوط طالبان، هنوز نیاز های بشری و انکشافی در افغانستان محدود است.

بدون شک، در این مدت افغانها شاهد پیشرفت های هم هستند، بطور مشخص توسعه دسترسی به خدمات صحتی و تعلیم و تربیه. در حالیکه مصرف یک سرباز امریکائی در افغانستان در یک سال به یک میلیون دالر میرسد، به حد اوسط فقط 93\$ دالرامریکائی کمک انکشافی بالای هر افغان در هر یک هفت سال گذشته مصرف شده است. بیشترین تمرکز کمک ها بالای "پروژه های کوتاه مدت" بوده تا اینکه چه می تواند نتیجه مثبت در دراز مدت برای افغانها داشته باشد.

از اینکه فشار های سیاسی بخاطر "نشان دادن نتیجه" بالای کشور های که نیروی نظامی در افغانستان دارند شدید تر می شود، کمک های بیشتر از طریق چینل های نظامی بخاطر "بدمست آوردن حمایت افغانها" به مصرف می رسد، در این میان تلاش ها برای از بین بردن عوامل اساسی فقر و ترمیم خرابه های که از سه دهه جنگ و بی نظمی باقی مانده به دست فراموش سپرده شده است. پروژه های انکشافی که از پول نظامی تطبیق شده و یا هم از طریق ساختار های نظامی به مقصد رسیدن به نتیجه سریعتر به مصرف رسیده است، اکثراً بسیار ضعیف، نامناسب و بدون مشارکت مردم محل تطبیق شده. شواهد کم وجود دارد که این روش بتواند باعث ثبات گردد، و در بعضی موارد، دخیل بودن نیروهای نظامی در پروژه های انکشافی بر عکس، زندگی افغانها را به خطر مواجه می سازد، از اینکه این پروژه ها می تواند به آسانی مورد هدف عناصر ضد دولتی قرار بگیرد.

منحیث هفت سازمان غیر دولتی، که در افغانستان نزدیک به پنجاه سال می شود کار می کنیم و فعلاً به بیشتر از 5 میلیون افغان در سراسر کشور خدمت رسانی می نمائیم، ما عمیقاً در مورد تأثیرات مضر استراتژی و افزایش نظامی شدن کمک ها نگران هستیم. طوریکه رهبران 70 کشور در کنفرانس لندن بخاطر بحث روی آینده افغانستان جمع می شوند، ما اسرار میداریم که روش شانرا نسبت به انکشاف و باز سازی باز نگری نمایند.

آیا کمک ها منحیث سلاح نظام باید استفاده شود؟

نهاد های نظامی، مثل تیم های باز سازی ولایتی (پی آر تی)، اکثراً از ظرفیت کافی برای اداره مؤثر پروژه های انکشافی برخوردار نیستند، حتی بعضی این نهاد ها که دارای بخش ملکی هم هستند، قادر نیستند تا اعتماد مردم محل، مشارکت آنها و مالکیت لازم را که بخاطر پیشرفت های دوامدار به زندگی افغانها مؤثر است بدمست آورند. در بعضی موارد، تیم های باز سازی ولایتی در ساحات نا امن تنها به شرکت ها و یا قرار دادی های محلی اتکاء می کنند که از ظرفیت کم و ارتباط ضعیف با مردم محل برخوردار هستند، و از نظر مردم غیر مؤثر و مفسد دیده می شوند.

مشکل روش نظامی شدن کمک ها این است که این نوع کمک ها نه تنها بخاطر از بین بردن فقر استفاده می شوند، بلکه بخاطر جلب وفاداری افغانها از طریق پرداخت این نوع کمک ها استفاده می شود. در رهنمون تحت عنوان "استفاده پول منحیث یک سلاح برای نظام" که برای عساکر امریکائی در افغانستان و عراق است، کمک ها را در این رهنمون به صفت "یک وسیله نظامی" تعریف می کند که بخاطر "جلب حمایت و پشتیبانی مردم برای شکست دادن شورشیان مورد استفاده قرار میگیرد"

در یک کشوری که در حدود 6000 مکتب ضرورت است، این مشکل خواهد بود به کسانی که منابع در اختیارشان قرار دارد به آنها گفته شود از ساختار این نوع ساختمانها جلوگیری کنند. " اگرچه این نوع روش کمک رسانی بیشتر باعث متکی شدن مردم میگردد تا اینکه به خودکفایی آنها به انجامد. بر علاوه این اکثر پروژه ها بطور بسیار ضعیف تطبیق گردیده و بسیار گمان کم می رود که حتی اهداف نظامی شانرا نیز برآورده کرده باشد.

در ولایت کاپیسا، یک مکتب که توسط تیم باز سازی ولایتی آن ولایت اعمار گردیده، مشکلات بسیار جدی در طرح و ساختار آن وجود دارد، آب بد رفت تشناب این مکتب در بالای یک جوی آب قرار دارد که مردم محل از آن منعی منبع آبی شان استفاده می نمایند. یک مکتب دیگری که در همین ولایت همچنان توسط تیم بازی ولایتی اعمار گردیده است مشکلات " طرح و مصونیت" دارد و در یک محیط غیر مصون اعمار گردیده است و حتی ساختار این مکتب از پایه های استنادی برخوردار نیست.

مالکیت مردم محل از پروژه ها و پایداری آنها همچنان یک چالش بزرگ است: یک مطالعه که توسط کانگرس ایالات متحده امریکا صورت گرفته، دریافته است که " عدم پلاننگزاری تیم های باز سازی ولایتی باعث می شود تا آنها اهداف کوتاه مدت را در پروژه ها تطبیق نمایند (ارزیابی موفقیت این پروژه ها توسط مقدار پول مصرف شده و یا هم رضایت دولت مردان محلی اندازه می گردد) و تطبیق آن بدون نظر داشت مشکلات ظرفیت سازی و استراتژی یک برای تطبیق کننده گان است. بطور مثال، در مکتب سازی تنها ساختمان مکتب شرط نیست بلکه بیشتر از ساختمان لازم است تا یک مکتب فعال گردد. مکاتب باید با استادان اعم از نکور و انات آموزش دیده، کتاب و مواد درسی، یک محیط مصون برای اطفال تا آنها، بخصوص دختران بتوانند به مکتب بیایند، مشارکت مردم محل و ارتباط آن با وزارت تعلیم و تربیه بخاطر پایداری آن برخوردار باشد.

گرچه تیم های باز سازی ولایتی از تجهیزات کمی برخوردار هستند تا بیشتر از خدمات ساخت و ساز را ارائه نمایند، بخصوص با در نظر داشت اینکه برنامه کمک های اضطراری ایالات متحده که فعالیت های تیم های باز سازی ولایتی و نظامیان ایالات متحده امریکا را حمایت می کند. این کمک های اضطراری بطور واضح نمی تواند برای نگهداری و یا بازسازی پروژه ها استفاده گردد. به کلمات یک رهبر قومی در ولایت پکتیا، "طوری که گفته اند - مقدار کمتر و پایدار بهتر است از یک چیز بزرگ و زود گذر... ما واقعاً کسی را نمی خواهیم که برای ما بسکویت بدهد و همیپنور پروژه های را ضرورت نداریم که بعد از یک سال ویران گردد."

با وجود که تا حال بیشتر از یک میلیارد دالر در این روش (بدست آوردن حمایت مردم) به مصرف رسیده است، اما تأثیر واقعی این پروژه ها محدود است، با وجود اینکه در این مورد وعید های را بخاطر تلاش بیشتر برای نظارت و ارزیابی داده اند. یک تفتیش اخیر دولت ایالات متحده امریکا دریافته است که نظارت نا کافی از تأثیر پروژه ها وجود داشته و نگرانی شانرا همچنان در مورد نظارت مالی پروژه ها اظهار نموده اند. مدیر برنامه کمک های اضطراری به مفتشین امریکای گفته است که تمرکز ما روی تطبیق پروژه بوده تا اینکه نظارت از آنها صورت بگیرد. "هیچ جای مرکزی برای نظارت از نحوه مصرف پول های برنامه کمک های اضطراری وجود ندارد و همچنان اسناد کمپوتری این پروژه ها یا نا مکمل بوده و یا هم هیچ وجود نداشته."

در حالیکه بعضی پروژه های تیم های باز سازی ولایتی توانسته به نیاز های عاجل و اضطراری مردم پاسخ بگوید و به تلاش های باز سازی کمک نموده، از سوی دیگر اینها پروسه باز سازی نهاد های افغانی را معطل کرده. در حالیکه بعضی مسولیت های را که باید دولت افغانستان انجام بدهد، تیم های باز سازی ولایتی با انجام آن جوابدهی دولت افغانستان را به مردم اش تضعیف نموده.

البته نیروهای نظامی نقش مهم را در کمک رسانی بخاطر نجات زندگی و رفع مشکلات مردم در وضعیت که فعالین ملکی نمی توانند دسترسی داشته باشند دارند، ولیکن ارائه همچو کمک ها باید غیر جانبدارانه و به اساس ضرورت باشد. رهنمون هماهنگی نظامی و ملکی که توسط آیساف و سازمان ملل متحد موافقت شده بیان میدارد که تنها "در صورت استثنائی، امکانات نظامی می تواند منحصبت آخرین ذخیره بخاطر کمک رسانی بشری استفاده گردد." پالیسی نامه سوم تیم های باز سازی ولایتی همچنان بطور مشخص بیان میدارد، کمک های بشری "نباید بخاطر بدست آوردن

اهداف سیاسی، تأمین ارتباطات و یا بدست آوردن حمایت مردم استفاده گردد، ... این کمک ها باید به اساس اصول کمک های بشردوستانه چون غیر جانبدارانه و بی طرفی استوار باشد."

همچنان شواهد زیاد وجود دارد که دخیل بودن نیروهای نظامی در فعالیت های انکشافی می تواند آنرا در خط اول جنگ قرار بدهد. یک گزارش اخیر که توسط دفتر بین المللی پاملرنه، وزارت تعلیم و تربیه و بانگ جهانی به نشر رسیده نشان میدهد که مکاتب که به حمایت تیم های باز سازی ولایتی اعمار گردیده از نظر افغانها بیشتر در خطر حمله قرار دارند. زمانیکه حملات عناصر ضد دولتی مکاتب را که توسط نیروهای نظامی در ساحات نا امن اعمار گردیده مورد هدف قرار میدهند، معلمین و شاگردان را بیشتر در معرض خطر قرار میدهد. اکثر مردم از این بیم داشتند که این حملات همچنان می تواند بالای کلینیک و سایر امکانات محلی که توسط تیم های باز سازی ولایتی ساخته شده است آغاز گردد. طوریکه یک امداد رسان می گوید، "ما تلاش می کنیم که تیم های باز سازی ولایتی را از دفاتر خود دور نگهداریم، و با آنها صحبت نکنیم چرا که باعث می شود تا مورد تهدید شورشیان قرار گرفته و همچنان از سوی مردم محل مورد شک قرار بگیریم."

یک نگرانی مشابه دیگری که وجود دارد این است، کمک های زیادی بین المللی بطور مستقیم بخاطر اهداف مبارزه با شورشیان و نظامی به مصرف میرسد، در این میان مردم آسیب پذیر فراموش شده است. این مردم آسیب پذیر شامل کسانی می شوند که از ایران و یا پاکستان بر گشته اند و یا در داخل بیجا شده اند، گاهی به علت جنگ و هم گاهی به علت بلایایی طبیعی مجبور شده تا خانه های شانرا ترک کنند. این مشکل می تواند با شدید تر شدن جنگ در سال 2010 بیشتر گردد.

عمل دیگری که مردم ملکی را در معرض خطر قرار میدهد، استفاده کمک ها منحیث مشوق بخاطر جمع آوری معلومات استخباراتی می باشد. قوماندانان ایالات متحده امریکا اجازه دارند تا امتیازات را در اختیار اشخاصیکه می توانند معلومات استخباراتی را به آنها بدهد قرار بدهند "امتیازات شامل پول نقد و یا به شکل متاع چون غذا، امکانات محلی، موتر و یا امکانات مشترک می شود." ارائه غذا و یا کمک در عوض معلومات در یک کشوریکه یک سوم جمعیت آن در خطر گرسنگی قرار دارد نه تنها غیر اخلاقی است بلکه آنها را در معرض خطر حمله گروه های ضد دولتی قرار میدهد. در سال 2009، نو افغان بشمول یک رهبر قومی در یک هفته به قتل رسیدند - که این رقم دو برابر رقم کشته نسبت به سال 2008 می باشد.

منابع تمویل

گرچه ارقام دقیق از کمک های که از طریق نظامی صورت میگیرد بطور عام معلوم نیست و یا به دولت افغانستان گزارش نداده اند، بطور تخمینی \$1.7 میلیارد دالر کمک های بشری و انکشافی از طریق نیروهای نظامی بین المللی به مصرف رسیده است. به اساس پلان، این کمک ها قرار است توسعه یابد. تنها برای سال جاری بیشتر از \$1 میلیارد دالر که اضافه تر از بودجه سالانه زراعت، صحت و معارف میگرد - قرار است از طریق برنامه کمک های اضطراری نیروهای نظامی به مصرف برسد.

از اینکه تحت فشار قرار دادن نیروهای نظامی، می تواند مصرف کمک ها را سریعتر سازد و نتیجه نشان بدهد، از اینرو گفته می شود که پول باید از طریق نیروهای نظامی به مصرف برسد از اینکه نهاد های ملکی آهسته هستند. اگرچه تیم های باز سازی ولایتی امریکا مشکلات زیادی در مورد مصرف به وقت این کمک ها داشته: تنها 58% کمک برنامه های اضطراری که بین سالهای 2004 و 2009 تخصیص داده شده بود به مصرف رسیده.

فرق های منطقی

در حالیکه بعضی از تمویل کنندگان کمک های شانرا به ساحات نا امن و یا به جاهائیکه نیروهای خارجی حضور دارند افزایش داده، ساحاتیکه بیشتر با ثبات هستند - ولیکن کاملاً فقیر هستند - که قسمت بزرگ از کشور را تشکیل میدهند فراموش شده است. این روش باعث فراموش شدن ولایاتی در شمال، مرکز و غرب کشور میگرد، جائیکه امنیت و وضعیت انکشافی بهتر است ولیکن نیاز های بشری شان شدیداً ناشی از کمبود مواد غذایی، خشکسالی و سیلاب عاجل و اضطراری است.

یک سوم بودجه کمک برنامه های اضطراری نظامی برای سال جاری (که تقریباً \$400 میلیون دالر، و یا \$285 دالر برای فی نفر) می شود، قرار گزارشها به ولایت هلمند تخصیص داده شده، در حالیکه سایر ولایات امن تر فقط از یک بخش نا چیز این کمک ها از طریق نهاد های ملکی مستفید می شوند. بطور مقایسوی، ولایت تخار صرف بطور متوسط \$43 برای فی نفر در یک سال از طریق یو اس اید گرفته است. تا یک حدی این قابل درک است که پلانگزارای پروژه های ساحات نا امن بیشتر مصرف دارد. اگرچه میزان مختلف بودن این کمک ها از طریق تمویل کنندگان در ولایات که نیروهای نظامی قرار دارند می تواند باعث نا برابری ها و قهر بین افغانهای که منابع کمتری به آنها می رسد گردد.

کمک رسانی از طریق نظامی می تواند مشوق نا درست باشد و افغانها را مجبور می نماید تا انتخاب نا ممکن را بین امنیت و کمک انتخاب کنند. در ولایت نسبتاً آرام دایکندی، قرار گزارش ها نیروی ویژه ایالات متحده امکانات تأسیس یک تیم بازسازی ولایتی را ارزیابی می کنند و همچنان بعضی پروژه های کمک رسانی را تطبیق می نمایند که شامل ترمیم مسجد مرکزی و توزیع البسه و غذا میگردد.

دایکندی یکی از فقیرترین ولایات کشور است، ولیکن اکثر مورد فراموشی قرار میگیرد. کمتر از 1% مکاتب ساختمان دارد و هیچ سرک آسفالت شده وجود ندارد. با وجود این شرایط دشوار، مردم ولایت دایکندی احساس گوناگون در مورد کار های انکشافی نیروهای نظامی دارند. طوریکه یک مقام محلی گفت، "ما بسیار فقیر هستیم و به پروژه های انکشافی ضرورت داریم ولیکن ما میدانیم هرچنانیکه نیروهای نظامی بروند، طالبان همچنان به تعقیب آنها میروند."

کار های انکشافی که درست است

اولویت های انکشافی مسولانه و فعالیت های موثری که باعث نتایج خوب برای افغانها میگردد، نه برنامه های کوتاه مدت که بخاطر اهداف سیاسی کشور های تمویل کننده می باشد.

بسته اساسی خدمات صحتی (بی پی اچ اس)، که توسط وزارت صحت عامه اداره میگردد و در سال 2003 معرفی گردید، هدف آن رساندن خدمات اساسی صحتی در سطح محلات و ترکیب آن با یک برنامه ملی صحتی در سطح کشور است. رفع چالش های صحتی که اکثر افغانها، بخصوص در ساحات نا امن و دور افتاده به آن مواجه است، یک مشکل جدی است ولیکن برنامه (بی پی اچ اس) با کار کردن از طریق همکاران ملی و بین المللی توانست تا دسترسی 85% نفوس را بشمول ولایت هلمند به خدمات صحتی توسعه دهد.

فراهم نمودن تعلیم و تربیه در سطح محلات ساحه دیگری است، جائیکه تلاش انکشافی ملکی توانست موفقانه خدمات ابتدایی معارف را در ساحات که هنوز دولت قادر نیست برساند. در یک برنامه مشترک سازمانهای غیر دولتی و وزارت تعلیم و تربیه بخاطر رفع نیاز های عاجل و درازمدت مردم محلات کار می کنند تا 1000 مکتب را که برای 93000 شاگرد در 20 ولایت می باشد اعمار نماید. این مکاتب در جاهای موقیعت دارد که حضور وزارت معارف بسیار کم رنگ است، زمانیکه دولت قادر باشد این مکاتب را بتواند شامل سیستم رسمی معارف کشور نماید، تحت یک برنامه به دولت افغانستان انتقال پیدا می کند.

برنامه همبستگی ملی (ان اس پی) همچنان تأثیرات مثبت کار های انکشافی را که توسط رهبری مردم محل تطبیق شده به نمایش گذاشت. این برنامه بطور وسیع از سوی دوتر های بین المللی تمویل میگردد، توسط وزارت احیاء و انکشاف دهات اداره میگردد و تطبیق آن توسط سازمانهای غیر دولتی ملی و بین المللی صورت میگیرد. این برنامه شورا های محلی انتخابی را ایجاد می نماید تا بتوانند پروژه های بازسازی محلی را تا حد \$60000 طرح و تطبیق نمایند. ولیکن در بین برنامه (ان اس پی)، پروسه دراز مدت ظرفیت سازی و شفافیت نهاد های محلی همچنان به اندازه نتایج پروژه ها مهم تلقی میگردد. تا به حال، برنامه (ان اس پی) یک میلیارد دالر را در انکشاف محلات در 22480 قریه در 34 ولایت افغانستان مصرف نموده است.

در حالیکه بعضی ها میگویند، این برنامه ها را نمی توان در ساحات که واقعا نا آرام است تطبیق کرد و یا به نیاز های عاجل افغانها مثل پروژه های که از طریق نظامیان تطبیق می شود پاسخ گفت. نظامی شدن کمک ها موفقیت و مستقل بودن برنامه های بشری و انکشافی را به خطر مواجه می سازد.

اختتام

برای افغانستان هیچ راه حل سریع وجود ندارد. نظامی شدن کمک ها همچنان برای افغانها سودمند نیست، و همینطور نمی تواند نتایج مختلف دیگر را به بار آورد. هدف غیر واقع بینانه بخاطر بدست آوردن نتایج انکشافی قابل لمس در سال آینده باعث گردید باز هم تأکید روی پروژه های کوتاه مدت گردد، در این روش از 2001 تا به حال کمک های زیادی بین المللی به مصرف رسیده.

تأکید روی موارد نظامی که بتواند انکشاف و دولت خوب را به بار آورد، تنها برای جلوگیری از بهای انسانی آن مهم است، ولیکن بخاطر فقر، بیکاری، دولت مفسد که عوامل مهم جنگ است هستند نمی تواند موثر باشد. اگر امنیت و صلح دوامدار برای افغانها آورده شود، سر انجام باید به این عوامل رسیدگی صورت گیرد.

به منظور اینکه مشکل نظامی شدن کمک ها را رفع گردیده و توجه بیشتر روی راه حل های که برای افغانها موثر است کار صورت گیرد، ما به رهبران جهان در لندن اسرار می نمایم که:

- حمایت قویتری از برنامه های موفق نمایند چون بسته خدمات اساسی صحتی (بی پی اچ اس)، برنامه همبستگی ملی (ان اس پی) و تعلیم و تربیه در سطح محلات. مطمئن سازید که این برنامه ها از کار های تیم های باز سازی ولایت جدا باقی می ماند و همچنان گیرنده کمک های تیم های بازسازی ولایتی نیستند.
- یک پلان را طرح و تطبیق نمایند که مطابق آن تیم های بازسازی ولایتی کمک های شانرا محدود سازند و بتوانند به فعالیت های امنیتی شان تمرکز نموده و سکتور امنیتی را اصلاح نمایند. در همین صورت باید کمک ها به نهاد های ملکی ملی و بین المللی افزایش پیدا کند.
- تمویل کنندگان و سازمانهای بین المللی باید کار ها بیشتری را بخاطر ظرفیت سازی نهاد های محلی نمایند تا آنها قادر گردند پروژه های انکشافی را طرح و تطبیق نمایند تا اینکه صرف – منحیث یک تطبیق باقی بمانند.
- مطمئن سازید که کمک ها بطور برابر به تمام کشور به اساس نیاز های انکشافی و بشری توزیع میگردد و همونا با پلان انکشافی ملی است.
- ظرفیت، پاسخگویی و شفافیت حکومت محلی را بالا ببرید. افغانها خواهان یک حکومت که قادر به رساندن خدمات اساسی و تطبیق قانون باشد هستند، هنوز این نظام ها ضعیف و غیر موثر در سطح محلات قرار دارند.
- از سازمان ملل متحد حمایت نمایند تا بتواند در مورد رساندن و هم آهنگی کمک ها نقش بیشتری را افاء نماید. در حالیکه این یک نشان مثبت است که سازمان ملل میخاهد نقش و حضور اش را توسعه بدهد، این باید همراه با برنامه سازی توسط نهاد های سازمان ملل و همکاران شان بخصوص برای ولایات و ولسوالی های که از منابع کم برخوردار هستند باشد. سازمان ملل همچنان باید در هم آهنگی کمک ها بیشتر تلاش نمایند، استقلالیت شانرا حفظ نماید و موثریت، جوابدهی و شفافیت شانرا نیز افزایش بدهد.

در یک کشوری که بعد از نایجر در پائین ترین ردیف کشور های دنیا از نگاه انکشاف انسانی قرار دارد. رفع مشکلات فقر و حکومتداری نه تنها یک امر اخلاقی است بلکه یک امر سیاسی است. در حالیکه کمک برای تطبیق این امر بسیار حیاتی است، کمک ها باید بطور مسولانه و موثر به مصرف برسد. بخاطر این باید نیازمندی و فایده افغانها در محراق باز سازی افغانستان قرار بگیرد.